

اخبار کودکان مشهد ۱۷۲ساله شد

لیلا کوچک‌زاده! پیدایش رسمی نشریات کودک و نوجوان در ایران و خراسان را می‌توان از دوران مشروطه دانست. زمانی که نوگرایان از طریق نشریات، نظر و دیدگاه خود را بین مردم بیان می‌کردند و یکی از اهدافشان بهبود زندگی کودکان و بهسازی آموزش و پرورش حتی سوادآموزی بود.درواقع هم‌زمان باانتشار روزنامه‌های فارسی، سرپرستان و سردبیران نشریات برای افزایش مخاطبان خود و جلب توجه خوانندگان، سعی کردند مطالبی را برای این گروه‌های سنی نیز بگنجانند. البته این روند به صورت اخباری درباره کودکان یا مطالب پاورقی و گنجاندن بخش ویژه کودکان در نشریات بزرگ‌سالان بوده است و نشریات جدی کودکان در ایران و مشهد را باید بعد از دهه۴۰ جست‌وجو کرد. تمام این نشریات که تعداد آن‌ها طبق گفته سرپرست و رئیس اداره مطبوعات کتابخانه آستان قدس رضوی بیش از ۳۶۰ عنوان نشریه تخصصی و نیمه تخصصی در حوزه کودک است، در آرشیو مطبوعات این مجموعه نگهداری می‌شودکه قدیمی‌ترین‌شان «سراج‌اطفال، مربوط به سال ۱۲۹۷خورشیدی و جدیدترین آن مجله، هوپا و تمشک مهربان، است. هم‌زمان با روز جهانی کودک، با ابراهیم حافظی سرپرست و رئیس اداره مطبوعات کتابخانه آستان قدس رضوی و جمیله جهانی، کارشناس سازماندهی و آماده‌سازی مطبوعات، به تاریخ نگاری نشریات کودک و نوجوان در ایران و مشهد پرداخته‌ایم.

- کودک مشهدی دراولین روزنامه رسمی ایران اگر قرار باشد «وقایع اتفاقیه» را اولین روزنامه رسمی ایران بدانیم که در سال۱۲۶۷قمری(۱۲۲۹خورشیدی) با دستور ناصرالدین شاه و به همت امیرکبیر در تهران منتشر شد، در سال اول و در بیست‌ونهمین شماره همین روزنامه، نوشته‌هایی درباره کودکان، بیماری‌هایشان، اخبار مدرسه دارالفنون، حوادث، اتفاقات و چاپ اعلان کتاب برای کودکان از جمله اولین مطالبی هستند که در این روزنامه دیده می‌شود و می‌توان آن‌ها را سرآغازی برای نوشتن درباره کودکان دانست.

جالب اینجاست که در این نوشته‌ها، چند خبر هم درباره کودکانی از مشهد دیده می‌شود. متن اولین خبر چنین است: «در شهر مشهد، شخصی با زن خود دعوا کرده، در ماه گذشته رمضان المبارک زن فقیر کرده و از خانه بیرون رفته است، طفلی کوچک داشته‌اند مادرش چنان تصور کرده است که در خانه مانده است در نزد پدرش و پدرش چنان دانسته که همراه مادرش بیرون رفته است. بعد از یک شبانه‌روز که زن به خانه آمده و با شوهر صلح کرده، به فکر طفل افتاده‌اند، معلوم شده است که در نزد هیچ کدام نبوده به جست‌وجو که بر آمده‌اند او را در میان چاه آب زنده و سالم یافته‌اند.»

درباره خبرهای دیگر مربوط به مشهد و خراسان هم، ابراهیم حافظی، سرپرست و رئیس اداره مطبوعات کتابخانه آستان قدس رضوی به سه مورد اشاره می‌کند. از جمله خبری درباره شلیک گلوله غیرعمدی یک کودک به مردی عالم و فاضل به نام غلامحسین تشرینی نامی که موجب مرگ او می‌شود. خبر آوردن طفل یک ماهه و عجیب‌الخلقه به مشهد برای مداوا که سر او به بزرگی هندوانه و گردن او به‌باریکی انگشت و چشم‌های اوبسیار ریز است و پس از سه‌روز در مشهد فوت می‌شود. یک خبر هم از کودک ۱۰ ساله سبزواری است که در آب غرق می‌شود. نقش می‌کند اما مردم درمی‌یابند زنده است اما خانواده‌اش دیر به دادش می‌رسند و از بین می‌رود.

- اخبار کودکان در ادب مشهد

در مشهد هم که روزنامه‌نگاری رسمی پیش از مشروطه و با روزنامه «ادب، و از سوی ادیب‌الممالک فراهانی



کودک به مردی عالم و فاضل به نام غلامحسین تشرینی نامی که موجب مرگ او می‌شود. خبر آوردن طفل یک ماهه و عجیب‌الخلقه به مشهد برای مداوا که سر او به بزرگی هندوانه و گردن او به‌باریکی انگشت و چشم‌های اوبسیار ریز است و پس از سه‌روز در مشهد فوت می‌شود. یک خبر هم از کودک ۱۰ ساله سبزواری است که در آب غرق می‌شود. نقش می‌کند اما مردم درمی‌یابند زنده است اما خانواده‌اش دیر به دادش می‌رسند و از بین می‌رود.

- اخبار کودکان در ادب مشهد

در مشهد هم که روزنامه‌نگاری رسمی پیش از مشروطه و با روزنامه «ادب، و از سوی ادیب‌الممالک فراهانی

۱۳۱۹
خورشیدی

نخستین مطالب ویژه کودکان در روزنامه‌های سراسری کشور چاپ شد.

۱۳۲۲
خورشیدی

نخستین مجله تخصصی کودکان با نام «نونهلان» در ایران منتشر شد.

۱۳۳۵
خورشیدی

سال چاپ مجله تخصصی کیهان بچه‌ها که با ۶۰ سال سابقه با قدمت‌ترین مجله کودک و نوجوان ایران است که پیوسته منتشر شده است.



تیر از مجله نونهلان در نوجوانان پس از انقلاب اسلامی در مشهد



مطبوعات با بیان این مطلب می‌گوید: در دوده‌اول حکومت پهلوی، فشارهای سیاسی واجتماعی موجب خفقان و رکود روزنامه‌نگاری است. به همین دلیل در این دوره نشریه کودک نداریم و رمان‌های عشقی و پلیسی دنباله‌دار در پاورقی بعضی روزنامه‌ها مورد توجه نوجوانان قرار می‌گرفته است. «روزنامه ایران» و «اطلاعات» از معروف‌ترین روزنامه‌هایی هستند که از این دست محتواها تولید می‌کرده‌اند.

جهانی تأکید می‌کند که گنجاندن بخش ویژه کودکان در نشریات بزرگ‌سالان به شکل جدی به سال‌های بعد از ۱۳۱۹ خورشیدی و بعد از برکناری رضاخان باز می‌گردد. یعنی زمانی که فضای باز مطبوعات برگشته و نشریه‌های هفتگی سرگرم‌کننده و خانوادگی و نشریات زنان با هدف نفوذ بیشتر بین خانواده‌ها به انتشار مطالبی درباره کودک و نوجوان می‌پردازند.

او این‌را هم اضافه می‌کند که در دهه ۳۰ و ۴۰ در مشهد به‌جز داستان‌های پاورقی که مورد توجه نوجوانان قرار می‌گرفت، روزنامه‌های «آفتاب شرق آدینه» و «خراسان‌بانوان» صفحاتی را برای کودکان و نوجوانان اختصاص می‌داده‌اند که نقاشی‌های کودکان، مطالب و داستان‌های ارسالی آن‌ها را چاپ می‌کرده‌اند. از دهه ۴۰ به بعد هم، گروه نشریات بزرگ‌سال، ستون ثابتی برای کودکان درنظر می‌گیرند و دیگر به انتشار ادبیات روزنامه‌ای برای کودکان ادامه نمی‌دهند.

- نشریه کودکی که در پاساژ مهتاب چاپ شد

اما طبق داده‌های حافظی، نویسنده کتاب «تاریخ تحلیلی روزنامه‌ها، مجله‌ها و سالنامه‌های خراسان»، پس از دهه ۴۰، در مشهد بیش از ۳۰ نشریه تخصصی و نیمه تخصصی مرتبط با کودک و نوجوان چاپ شده که قدیمی‌ترین آن مجله «حرف‌های بچه‌های بهرنگ» است که تک شماره‌ای از آن را انتشارات «ما» در سال ۱۳۵۸ در پاساژ مهتاب چاپ کرده و به معرفی کتاب‌های مناسب کودک و نوجوان و همچنین نکاتی درباره ادبیات کودکان پرداخته‌است. دونشریه «دانش‌آموز» در سال ۱۳۵۸ و «بیبک شکوفه‌ها» در سال ۱۳۶۱ نیز از قدیمی‌ترین نشریات کودک و نوجوان مشهد است. او به این هم اشاره می‌کند که نهادهای وابسته به دولت نظیر آموزش و پرورش، وزارت ارشاد

۱۳۵۸
خورشیدی

نخستین مجله تخصصی ویژه کودکان و نوجوانان در مشهد با نام «بچه‌های بهرنگ» چاپ و منتشر شد.

دهه ۸۰ قرن ۱۴ خورشیدی

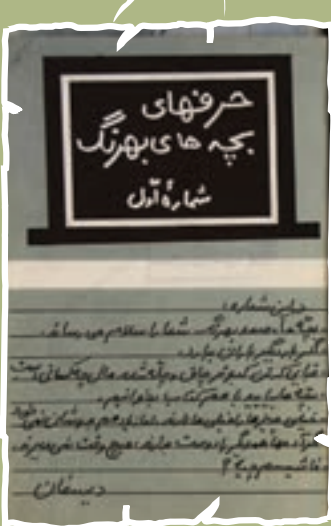
سال‌های دهه ۸۰ در قرن ۱۴ خورشیدی رکورد انتشار مجله‌های کودک و نوجوان با ۱۱۱ عنوان شکسته شد.



«سراج اطفال»، قدیمی‌ترین مجله موجود درباره کودکان در آرشیو مطبوعات آستان قدس رضوی است که در سال ۱۲۹۷ خورشیدی به مدیریت محمود طرازی افغانی در کابل افغانستان چاپ شده است.



جبار باغچه‌بان در سال ۱۳۲۲ خورشیدی با هدف تحریم نشریه نونهالان که آن را وابسته به انگلیس می‌دانسته، مجله‌ای به نام «زبان» را منتشر می‌کند و صفحاتی از آن را به کودکان اختصاص می‌دهد.



مجله «حرف‌های بچه‌های بهرنگ» را انتشارات «ما» در سال ۱۳۵۸ در پاساژ مهتاب چاپ کرده که به معرفی کتاب‌های مناسب کودک و نوجوان و همچنین نکاتی درباره ادبیات کودکان پرداخته است.



گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت چهارم)
آصف‌الدوله و طمع در قوت لایموت مردم (قسمت نخست)



مرضیه ترابی

۲۹ آبان، در تقویم تاریخ مشهد، روز غم‌انگیزی است، حمله عوامل رژیم پهلوی به حرم مطهر رضوی، اتفاقی نیست که بتوان از کنارش ساده عبور کرد. می‌دانید، توهمین به مقدسات و نگه‌نداشتن حرمت آن‌ها، عواقب وخیمی برای حرمت‌شکنان دارد. این‌را از باب عقیده یا تصورات ذهنی عرض نمی‌کنم؛ تاریخ به صحت آن گواهی می‌دهد. کافی است سری به کتاب‌های تاریخ مشهد بزنیم تا آلی ماشاء...! نمونه پیدا کنیم برای این مسئله. همین الان اگر از شما بخواهم، می‌توانید چند موردی را ذهنی به یاد بیاورید و سرنوشت بانیان آن هتاکي را برای همه ما تعریف کنید. برای همین، می‌خواهم امروز احتیاط کنم و بروم به سراغ یکی از نمونه‌های کمتر شنیده شده در این زمینه تا مبادا برای شما خوانندگان عزیز، تکراری باشد. روایتی که می‌خواهم برایتان نقل کنم، مربوط به سال ۱۲۸۴ خورشیدی است، یعنی یک سال قبل از پیروزی انقلاب مشروطه و در دوران حکومت غلامرضاخان آصف‌الدوله شاهسون بر خراسان. روایتی که مقدمه‌ای نسبتاً طولانی دارد و باید برای شنیدنش حوصله به خرج دهید.

- بلایی عالم‌سور به نام «آصف‌الدوله»

شاید بد نباشد یادآوری کنم که در دوره قاجار، حکومت ایالات به مزایده گذاشته می‌شد و هرکس قیمت بالاتری را پیشنهاد می‌کرد، آن‌را به دست می‌آورد. طبعاً در چنین وضعی، فرد خریدار می‌کوشید در دوران حکومتش، پولی را که صرف خرید منصب کرده‌است، با سود ۲۰۰ درصدی، از خلوق مردم بدبخت آن ولایت بیرون بکشد. ماجرای آصف‌الدوله شاهسون و حکومت وی بر مشهد هم، از همین جنس بود. او که یک‌بار در سال ۱۲۷۴ خورشیدی و در اوایل سلطنت مظفرالدین‌شاه به حکومت خراسان رسیده و پس از شورش و اعتراض اهالی نسبت به ظلم و تعدی‌هایش، از کار برکنار شده‌بود، با پیشنهاد مبلغی دندنان‌گیر به شاه بیمار و طماع قاجار، دوباره حاکم خراسان شد و این‌بار، «ماراز روزگار مردم این‌خله درآورد. طبق گزارش‌پرسی سایکس در کتاب «تاریخ ایران»، آصف‌الدوله در اوج خشک‌سالی و قحطی، مبلغ مالیات را ۳۰۰ درصد افزایش داد و حدود ۲۰ هزار لیره طلا، بیشتر از نرخ مالیات خراسان از مردم این منطقه پول گرفت که از این مقدار، ۲۰ هزار لیره برای شاه و صدراعظم وی فرستاده شد و ۱۰ هزار لیره هم سر از جیب والی پول‌پرست خراسان درآورد. از آن طرف، جمع کردن چنین مالیاتی از مردم، آن‌هم در آن سال‌های سختی و تنگدستی، خودش حکایت غم‌انگیزی داشت.

- حکایت غم‌انگیز اخذ مالیات و فروش دختران

آصف‌الدوله تقریباً هر چه در دست مردم بود، می‌رود. وقتی که اهالی تهیدست روستاها دیگر توان پرداخت مالیات نداشتند، دختران آن‌ها را به بردگی می‌گرفت و به ترکمنان می‌فروخت تا مبلغ مورد نظرش تأمین شود. طبق گزارش هفته‌نامه «خورشید»، به مدیریت محمدصادق تبریزی، که چندسال بعد و در دوره مشروطه منتشر می‌شد، آصف‌الدوله برای اخذ مالیات، به قول امروزی‌ها، ۲۲ ردیف مختلف تعریف کرده‌بود که هیچ‌کدام از آن‌ها ربطی به مالیات سرانه و قانونی نداشت، مالیات‌هایی مانند «حاکم پولی»، «بیگ پولی»، «ابریشم پولی»، «سوار پولی»، «مرغ پولی»، «میرزا پولی»، «مژده پولی» و یعنی مردم باید بابت شنیدن خبر خوب هم، مالیات می‌پرداختند یا وقتی مرغ یک رعیت می‌شد دو تا باید بابت آن وجهی به آصف‌الدوله می‌دادند و همین‌طور تا آخر. البته، بدون تردید، از همه این‌ها بدتر، ماجرای فروش دختران بود که تأثیر بسیار بدی در افکار عمومی گذاشت. روایت‌هایی از این اقدام غیرانسانی وجود دارد که نشان می‌دهد مأموران آصف‌الدوله، برای آنکه دختران خردسال بی‌تابی نکنند، آن‌ها را در خواب از پدر و مادرشان جدا می‌کردند. این جنایت آشکار و غیرانسانی، به‌تدریج برخی از افراد طماع و بی‌شرافت را به سوی تجارتی هولناک کشاند که در تاریخ ایران، کمتر درباره‌اش بحث شده‌است؛ بعضی کاروان‌سالاران، زنان و دخترانی را که به دلیل درگذشت مردان همراهشان تنهایی می‌ماندند، رسماً می‌دزدیدند و آن‌ها را به ترکمنان می‌فروختند. نمونه‌ای از این اقدامات را محمدصادق تبریزی در هفته‌نامه «خورشید» و ضمن شرح صورت جلسه انجمن ایالتی خراسان، شرح داده‌است. مادر و دختری لرستانی که در مسیر حرکت به سوی مشهد، مرد خود را از دست داده و به این سرنوشت شوم گرفتار شده‌بودند و در نامه‌ای مخفیانه به انجمن، استدعای کمک و نجات داشتند. مجدالاسلام کرمانی در «سفرنامه کلات»، برخی از اقدامات مأموران آصف‌الدوله را شرح داده‌است، رفتارهایی که نشان می‌دهد ترکمنانی که به قصد غارت به خراسان و اطراف مشهد می‌تاختند، بسی منصف‌تر و با‌اخلاق‌تر از مأموران حاکم خراسان بوده‌اند.

- نهضت آغاز می‌شود

غلامرضاخان، افزون بر این جنایات عجیب و غریب، دست تعدی به سوی قوت‌لایموت مردم هم دراز کرد. او با کمک یکی از بازرگانان طماع مشهد، دست به احتکار گسترده گندم و جو زد، آن‌هم در وضعی که افزون بر خشک‌سالی، ملخ هم به جان مزارع خراسان افتاده‌بود و قیمت گندم با طلا برابری می‌کرد. آصف‌الدوله با همین شیوه، قیمت گندم را تا بیست‌برابر افزایش داده‌بود. در این بین، جمعی از اهالی سیستان که آن‌ها نیز، از قحطی و خشک‌سالی به جان آمده‌بودند، بیرون از شهر مشهد اردو زدند و از حاکم تقاضای رسیدگی داشتند اما عملاً هیچ اقدام مؤثری برای رفع مشکل آن‌ها صورت نمی‌گرفت. در چنین شرایطی بود که نهضتی با محوریت برخی علمای مشهد و طلاب علوم دینی، برای مبارزه با آصف‌الدوله شکل گرفت. نهضتی که با تجمع متدینان و روحانیان در حرم مطهر و مسجد گوهرشاد آغاز شد و برخی آن را از دلایل بسیار مهم آغاز انقلاب مشروطه می‌دانند.

ادامه دارد ...

شهریار

اشنبه
۲۸ آبان ۱۳۹۱
شماره ۲۵
شماره ۲۵
شماره ۲۵

۱۵



تاریخ و هویت

نمونه‌ای از مجله مطلب با محوریت کودک و نوجوان در روزنامه آفتاب شرق مشهد